

## تحلیل بازنمایی زن در گفتمان اعتدال: تحلیل گفتمانی سخن‌رانی‌های حسن روحانی

آرمان حیدری\*

حکیمه ملک‌احمدی\*\*

### چکیده

در ایران دهه‌های اخیر، گفتمان‌های اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی، و اعتدال هر یک به‌گونه‌ای به «بازنمایی» زنان پرداخته، هویت‌هایی را به آنان منتسب کرده، و سیاست‌گذاری‌های مربوطه‌شان را بر آن اساس بنا نهاده‌اند. گفتمان اعتدال‌طلب روحانی به‌منزله جدیدترین و ناشناخته‌ترین گفتمان در این عرصه کم‌تر مورد واکاوی علمی قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر تحلیل گفتمان سخن‌رانی‌های روحانی، نماینده رسمی دولت اعتدال، به‌منظور شناسایی و معرفی ویژگی‌های منتسب به زنان در این گفتمان است. رویکرد راه‌نما در تحقیق رویکرد لاکلا و موفه است. براساس تحلیل مضامین سخن‌رانی‌ها، می‌توان گفت «برابری جنسیتی» دال مرکزی این گفتمان بوده و «عفاف‌محوری»، «هم‌ارزی فضای عمومی و خصوصی»، «نقش‌های اجتماعی فراستی»، «بازخوانی اسلامی - انقلابی از جنسیت»، و «نگاه غیرامنیتی به حضور زنان» برهه‌هایی هستند که زنجیروار حول دال مرکزی بالا برای تثبیت موقتی معنای هویت و جایگاه اجتماعی زنان مفصل‌بندی شده‌اند. هم‌چنین به‌نظر می‌رسد گفتمان اعتدال، بیش‌تر اجتماعی - اقتصادی است تا سیاسی (اصلاح‌طلبی) یا فرهنگی (بنیادگرایی)، اما مجموعه‌دال‌های مورد تأکید آن با گفتمان اصلاح‌طلبی قرابت و سنخیت بیش‌تری دارد تا گفتمان اصول‌گرایی.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل گفتمان، روحانی، زنان.

\* استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)،

alheidari2011@yu.ac.ir

\*\* دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، گروه علوم اجتماعی، Hakime\_malekhamadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

## ۱. مقدمه

مطالعه تاریخ ایران نشان می‌دهد زنان تقریباً در تمام عرصه‌های زندگی خود دچار تنزل موقعیت و وادار به پذیرش وضع فرودست خود شده‌اند. در چنین ساختار سیاسی - استبدادی و ارباب‌رعیتی و پدرسالارانه‌ای زنان نه تنها از فعالیت فراوان و گوناگون محروم بودند، بلکه دور از تمام آگاهی‌ها در خانه به سر می‌بردند (ناهید ۱۳۶۸: ۱۸). با مدرنیزاسون، افزایش سواد، ورود گسترده زنان به آموزش و بازار کار، گسترش رسانه‌ها و «جهانی‌شدن، مسئله تبعیض علیه زنان مطرح و تلاش‌هایی در جهت تغییر نگرش در مباحث اجتماعی موجود و برابری در جامعه به وجود آمد که در نتیجه آن، مفهوم 'جنسیت' جای‌گزین مفهوم 'زن' شد» (شادی‌طلب ۱۳۸۱: ۹۸). اهمیت این جای‌گزینی در این است که جنسیت (Gender) در تقابل با جنس (Sex)، به‌مثابه امری بیولوژیکی و مبتنی بر تفاوت‌های طبیعی مردان و زنان، مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تبعیض‌آمیز و نوعی نظام بازنمایی در چهارچوب گفتمان پدرسالاری است. به‌عبارتی، ریشه تمام نابرابری‌ها درخصوص زنان در کارکردها و گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی جنسیت (مهدی‌زاده ۱۳۸۲: ۱۴۴-۱۴۵) جست‌وجو می‌شود. به‌تعبیری، مردانگی و زنانگی کیفیت‌های ذاتی سوژه‌های تجسم‌یافته نیستند، بلکه باید آن‌ها را به‌مثابه موضوعات بازنمایی درک کرد؛ بازنمایی‌ای که ویژگی آن در گفتمان‌های متفاوت تنوع می‌پذیرد.

از منظر گفتمانی، سوژه خودآیین نیست، بلکه گفتمان آن را تعیین می‌کند. به‌عبارتی گفتمان‌های مختلف موقعیت‌های متفاوتی به سوژه نسبت می‌دهند. هم‌چنین روابط حقیقی‌ای وجود ندارد که اقتصاد تعیین‌کننده آن باشد، بلکه آدمیان از سوی گفتمان‌ها فراخوانده و سوژه‌ها به‌منزله «موقعیت‌های سوژه» درون یک ساختار گفتمانی محسوب می‌شوند. گفتمان‌ها همواره موقعیت‌هایی را برای افراد تعیین می‌کنند تا آن‌ها را به‌منزله سوژه اشغال کنند. متناسب با این موقعیت‌ها انتظارات خاصی راجع به آن‌چه انجام می‌دهیم، آن‌چه می‌گوییم، و آن‌چه نمی‌گوییم وجود دارد (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۸۹: ۷۹-۸۰). بنابراین، سوژه «زن» بسته به این‌که در چه حوزه گفتمانی قرار گیرد، معانی و هویت‌های متفاوتی اتخاذ می‌کند که به نوع خاص گفتمانی بستگی دارد که به آن معنا و هستی بخشیده است.

در نظم گفتمانی مربوط به زن و هویت زنانه، فضای اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی ایران به‌طورکلی عرصه تقابل دو دیدگاه یا گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی بوده است. هریک از این گفتمان‌ها با برجسته‌کردن «عناصر»ی خاص سعی در تثبیت معنای موردنظر خود در

این حوزه دارد و البته با «تخاصم» و «چالش» جدی هواداران سیاست خرده‌گفتمان رقیب مواجه می‌شود. «اسلامیت» و مفاهیم وابسته به آن به‌منزله دال مرکزی گروه‌های اسلامی بنیادگرا و سنت‌گرا و درمقابل<sup>۵</sup> «جمهوریت» به‌منزله دال مرکزی گفتمان تجددگرایی و مفاهیم وابسته به آن خود را در حوزه سیاست و هویت جنسیتی به‌صورت برجسته‌ای نشان می‌دهد (صفری شالی ۱۳۹۴). گفتمان اصول‌گرایی با توسل به مفاهیم خانوده، اخلاق، هویت دینی، بومی، و دوری‌جستن از ارزش‌های غربی و فمینیستی و گفتمان اصلاح‌طلبی با استفاده از مفاهیم آزادی، عدالت، نواندیشی دینی، نقش مستقل زن، و برابری اجتماعی به‌طرقی متفاوت و خاص درصدد تثبیت معنای واژه «زن» بوده‌اند. هرچند در دوره‌های مختلف افراد متفاوتی نماینده این دو گفتمان محسوب می‌شده‌اند، اما به‌طور خاص در دو دوره قبل از ریاست‌جمهوری حسن روحانی و سیدمحمد خاتمی را می‌توان نماینده گفتمان اصلاح‌طلب و محمود احمدی‌نژاد را نماینده گفتمان اصول‌گرا دانست. به‌نظر می‌رسد چالش و تخصص‌اساسی در این حوزه به‌چگونگی مفصل‌بندی دو دال مرکزی «اسلامیت» و «جمهوریت» گفتمان جمهوری اسلامی باشد، زیرا عنصر زن با روح، وظایف، و تکالیف خاصی پیوند خورده است که ناشی از دال‌های مرکزی «اسلامیت» و «جمهوریت» است. گفتمان غالب و هژمونیک جمهوری اسلامی با سپری‌شدن سال‌ها، به‌تبع روی کارآمدن دولت‌های مختلف، خرده‌گفتمان‌هایی چون گفتمان سازندگی، گفتمان اصلاحات، گفتمان عدالت‌محور (و اخیراً گفتمان اعتدال) را در خود زایش کرد که با حفظ اصول و ارتباط جدانشدنی با گفتمان مادر، معرف رویکردی نوین به اصول و مسیر تعریف‌شده گفتمان مذکور بودند (همان). درواقع سیاست‌های حاکم بر نظم گفتمانی زنان تابع و تحت‌تأثیر اصول و آموزه‌های گفتمان کلی‌تر دولت مستقر بوده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت خرده‌گفتمان دولت‌های «سازندگی»، «اصلاحات»، «عدالت»، و «اعتدال» در سپهر سیاسی ایران هریک سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خاص خود را در حوزه نظم گفتمانی زنان داشته است (صادقی فسایی و دیگران ۱۳۹۵؛ صفری شالی ۱۳۹۴). برای مثال، در سه دوره متفاوت سازندگی، اصلاحات، و عدالت و مهرورزی نهادهای اجرایی کشور سه نگاه متفاوت به زنان داشته‌اند (صادقی فسایی و دیگران ۱۳۹۵).

سیطره هیچ گفتمانی در جامعه دائمی نبوده و هژمونی هر گفتمانی در جامعه به‌صورت موقت است، زیرا همواره گفتمان‌های دیگری روی کار می‌آیند و هویتشان باتوجه‌به غیر و دشمن معلوم می‌شود. در خردادماه ۱۳۹۲، گفتمان «اعتدال» توانست با ساختارشکنی گفتمان

«عدالت‌گرایی» هژمونی و تسلط بر امور را به‌نفع خود در اختیار بگیرد. نتیجه انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری ظهور مفاهیم و دال‌های گفتمانی جدیدی در تاریخ گفتمان انقلاب اسلامی و در نظم گفتمانی حوزه زنان بوده است؛ مفاهیمی مثل آزادی، آزادی بیان، قانون‌گرایی، حقوق شهروندی، حفظ و ارتقای کرامت و منزلت زنان که در حوزه گفتمان اصلاحات قرار داشت و این مفاهیم که از عرصه سیاست ایران در انتخابات ۱۳۸۴ «طرد» شده بودند، دوباره به گفتمان اعتدال روحانی وارد می‌شوند که منشعب از گفتمان سازندگی ایران است (گمشاد ۱۳۹۴). از ویژگی‌های مهم گفتمان عدالت‌گرایی، «اسلام‌گرایی سیاسی رادیکال، تأکید بر اندیشه‌های محافظه‌کاری سنتی ایرانی، رویارویی با نظام جهانی، مردم‌گرایی هم‌راه با نگرش پدرسالارانه سنتی، توده‌گرایی وظیفه‌محورانه» (صادقی فسایی و دیگران ۱۳۹۵)، و «تأکید بر خانواده و جایگاه همسری و مادری و حضور زنان در خانواده» (صفری شالی ۱۳۹۴) بوده است. حسن روحانی توانست با ساختار شکنی گفتمان عدالت‌گرایی و طرح آموزه «اعتدال» وارد رقابت و برنده انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم شود و امروزه نماینده رسمی گفتمان اعتدال‌گرایی محسوب می‌شود که قطعاً حوزه گفتمان‌گویی خاص خودش را از این دال «شناور» ارائه می‌دهد. حوزه‌ای که کم‌تر مورد مطالعه و تحلیل علمی قرار گرفته است.

همان‌طور که گفته شد هیچ گفتمانی نمی‌تواند سلطه مداوم و بدون منازعه‌ای در مفصل‌بندی عناصر خاص در حوزه‌های گفتمانی مربوط داشته باشد. در ایران در حوزه گفتمانی زنان نیز عنصر و دال «زن و هویت زنانه» یکی از مهم‌ترین عناصر و دال‌های سیال سامان‌دهنده بحث‌های اجتماعی و سیاسی بوده که به‌گونه‌های متفاوتی مفصل‌بندی شده و منشأ تخصص‌های سیاسی و اجتماعی گوناگونی بوده است. از مهم‌ترین عرصه‌های بروز و نمود چنین خصومت‌هایی می‌توان به مسائل مربوط به «پوشش و حجاب زنان و جایگاه امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر»، «ورود یا عدم ورود زنان به قلمروهای ورزشی»، «برگزاری یا عدم برگزاری کنسرت‌های موسیقی»، «جدایی و دیوارکشی بین زنان و مردان در کلاس‌ها یا دیگر فضاهای عمومی»، «اولویت نقش‌های همسری/ مادری یا حرفه‌ای»، «قدم برنامه‌ریزی جهت حضور پررنگ زنان در عرصه خصوصی (خانواده) یا مشارکت فعال و همه‌جانبه آنان در قلمروهای عمومی (آموزش، مشارکت سیاسی، اجتماعی، و...)» بوده است. بنابراین می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری و توسعه در ایران امروز به نوع نگاه به زنان و سیاست‌گذاری‌های مربوط به آنان مربوط می‌شود که مقدم از هر جایی در

نوع گفتمان حاکم بر دولت مستقر تعیین و تثبیت می‌شود. علاوه بر اهمیت بررسی چالش‌های گفتمانی که در نهایت به سطح «پرکتیس‌های اجتماعی» در سطح بازار و زندگی روزانه کشیده می‌شود، روند توسعه و ارزیابی آن بدون در نظر گرفتن جایگاه زنان و مسائل آنان به منزله نیمی از جمعیت جامعه امکان‌ناپذیر و نامفهوم یا حداقل ناقص است. می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین نواقص برنامه‌های توسعه‌ای ایران به حوزه نابرابری‌های جنسیتی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، و آموزشی مربوط می‌شود که تا حد زیادی روند آن از سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها در دوره‌های مختلف تأثیر گرفته است (همان). در این راستا، می‌توان دو نوع نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر «ره‌یافت بی‌طرفی جنسیتی و ره‌یافت از نظر جنسیتی حساس» (شادی‌طلب ۱۳۸۱: ۶۴-۶۵) را در برنامه‌ریزی‌های کلان جامعه از هم تفکیک کرد. اگر بپذیریم که «فرایندهای سیاسی بیش‌ترین اهمیت را دارند: سیاست اولویت دارد»، می‌توان گفت تحلیل گفتمان هر دولتی یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای شناخت مزایا و محدودیت‌های سیاست‌گذاری و ارزیابی برنامه‌های دولت‌هاست، چراکه گفتمان و نوع نگاه هر دولتی به مسائل مربوط به زنان برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آن‌ها در این حوزه را هدایت می‌کند و از آن نیز تأثیر می‌گیرد.

این پژوهش با بررسی سخنرانی‌های روحانی درصدد است تا چگونگی مفصل‌بندی وی از عنصر «زن» را با کمک روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه تحلیل و بررسی کند. تحلیل گفتمان از این رو اهمیت دارد که گفتمان‌ها با بازنمایی واقعیت به‌شکلی خاص سوژه‌ها و ابژه‌ها را به‌نحو خاصی می‌سازند، مرزهایی بین حقیقت و خطا ترسیم می‌کنند، و گونه‌های خاصی از کنش‌ها را مربوط و معنادار و سایرین را نامربوط و خارج از موضوع قرار می‌دهند (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۸۹: ۲۳۵). مهم‌ترین که دستگاه اجرایی کشور، به‌ویژه دولت‌ها، به‌دلیل توسعه قدرت خویش از خلال گفتمان‌هایشان جهان تحت‌نظارت خود را هدایت می‌کنند. از این رو، واکاوی گفتمان دستگاه اجرایی کشور در حوزه زنان نشان‌دهنده تمایلات، نوع نگرش، و به‌معنای کلان ایدئولوژی آن‌ها در مواجهه با این مؤلفه هویت بشری است (صادقی فسایی و دیگران ۱۳۹۵). بنابراین سؤالات محوری مقاله عبارت‌اند از نظام معنایی گفتمان روحانی درباره مسائل زنان به چه شکلی مفصل‌بندی شده است؟ زن و هویت زنانه در گفتمان سیاسی اعتدال‌طلب چگونه بازنمایی شده است؟ عنصر «زن» در پرتو چه عناصر و مؤلفه‌های گفتمانی مفصل‌بندی شده است؟ گره‌گاه و مهم‌ترین دال سامان‌دهنده این عناصر مختلف چیست؟ این گفتمان در حوزه نظم گفتمانی زنان چه سمت و سوی فکری - اجتماعی دارد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

درخصوص تحلیل گفتمان دربارهٔ زنان پژوهش‌های مختلفی انجام شده که به نمونه‌هایی از موارد مربوطه اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش کرمی قهی (۱۳۹۱) با تحلیل مسائل زنان و خانواده در گفتمان برنامه‌های توسعه سوم، چهارم (اصلاح‌طلبی)، و پنجم (اصول‌گرا) نشان داد که تأکید گفتمان اصلاح‌طلب بر نشانه‌های «اصلاحات»، «توسعه سیاسی»، و «جامعه مدنی» و درمقابل تأکید گفتمان اصول‌گرا بر نشانه‌هایی چون «قانون اساسی»، «توسعه اقتصادی»، «عدالت»، «ارزش‌های دینی و اخلاقی»، و «استقلال» است. باستانی و دیگران (۱۳۹۲) با تحلیل خرده‌گفتمان‌های زنان در دورهٔ مشروطیت پی‌بردند که خرده‌گفتمان رادیکال به‌دنبال ایجاد تغییرات بنیادی است، درحالی‌که در خرده‌گفتمان میانه‌رو خواست‌های قابل‌دست‌رس‌تر دنبال می‌شود.

نتایج پژوهش صفری شالی (۱۳۹۴) درخصوص ارزیابی «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» حاکی از آن بود که در برنامه‌های اول و دوم توسعه، توجه کمی به موضوع عدالت جنسیتی و مسائل زنان شده است. باوجوداین، دال‌های اصلی درمورد «کنترل مولید و جمعیت»، «افزایش سطح سواد عمومی زنان»، «ارتقای سلامت زنان»، و «اوقات فراغت و تربیت بدنی زنان» شکل گرفت. در گفتمان اصلاحات (برنامه‌های سوم و چهارم توسعه)، مقولهٔ زنان و عدالت جنسیتی به‌صورت پررنگ‌تر مطرح شد. حتی در برنامهٔ چهارم توسعه «بی‌تفاوتی جنسیتی» برنامه سوم به‌سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیضی مثبت حرکت کرد. در برنامهٔ پنجم توسعه و در گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور، با تأکید بر نهاد خانواده و نقش مهم و تأثیرگذار زنان در خانواده، برای زن عمدتاً جایگاه همسری و مادری و حضور زنان در خانواده مورد تأکید بوده است. به‌عبارتی، دال اصلی دال تحکیم خانواده بوده است. تحقیق ایمانی و دیگران (۱۳۹۴) دربارهٔ «زن در ضرب‌المثل‌های فارسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» نشان داد مناسبات قدرت در گفتمان ضرب‌المثل‌های زنان مؤثر است و توزیع قدرت نه‌تنها میان زن و مرد، بلکه میان زنان نیز براساس نقش و جایگاه اجتماعی‌شان به‌صورت نابرابر توزیع شده است.

فرقانی و عبدی (۱۳۹۵) با تحلیل گفتمان انتقادی جوک‌های جنسیتی درمورد زنان در شبکه‌های موبایلی می‌گویند این جوک‌ها فاقد هرگونه سویه‌های سیاسی بوده و درمقابل

بسیار ایدئولوژیک‌اند و توسط مردم تولید، مصرف، و بازنشر می‌شوند. محتوای این جوک‌ها نیز از درون فرهنگ عامه برمی‌آید یا دست‌کم از آن متأثر است. تحقیق صادقی فسایی و دیگران (۱۳۹۵) درباره «تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان» نشان می‌دهد که گفتمان دوره سازندگی توسعه‌گرایی نظارت‌محور بوده و رویکردی نظارتی و مصرف‌محور به زنان داشته است؛ گفتمان دوره اصلاحات، لیبرال‌گرایی مشارکت‌محور بوده و سعی در مشارکت اجتماعی زنان داشته و در نهایت در دوره عدالت و مهرورزی، گفتمان توده‌گرایی وظیفه‌محور حاکم بوده که از یک‌سو خواهان مشارکت اجتماعی زنان را در حضور توده‌وار اجتماعی تأویل می‌کند و از سوی دیگر با اتخاذ رویکردی مرتجع، مکرراً وظایفی مانند مادری و همسری زنان را بازتولید می‌کند.

با مرور پیشینه تحقیق، می‌توان گفت برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های جنسیتی در هر دوره از نوع نگاه و گفتمان دولت مستقر تأثیر گرفته است. بیش‌ترین چالش و تخاصم گفتمانی بین برجستگی دو عنصر حضور پررنگ زنان در قلمرو عمومی و قلمرو خصوصی خانواده بوده است. هم‌چنین درباره گفتمان «اعتدال‌گرایی»، به‌ویژه بازنمایی مسائل زنان در نظم گفتمانی اعتدال‌گرایی، پژوهش خاصی انجام نشده است.

### ۳. چهارچوب مفهومی

نظریه گفتمان ارنستو لاکلا و شانتال موفه از همه امور اجتماعی برداشتی گفتمانی ارائه می‌دهد و امور اجتماعی به‌مثابه ساخت‌های گفتمانی قابل فهم‌اند. به عبارتی همه پدیده‌های اجتماعی با ابزارهای تحلیل گفتمانی قابل تحلیل و بررسی‌اند (سلطانی ۱۳۸۴: ۷۰). ایده کلی آن‌ها این است که معانی هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی برسر تعاریف جامعه و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به‌هم‌راه دارد. وظیفه تحلیل‌گران گفتمان نشان‌دادن جریان این کشمکش‌ها برسر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴). آن‌ها نظریه خود را با استفاده از سنت مارکسیستی و به‌خصوص اندیشه گرامشی و ساختارگرایی آلتوسر و پسا‌ساختارگرایی دریدا و فوکو اولین بار در کتاب *هژمونی و راه‌برد سوسیالیستی* در سال ۱۹۸۵ بسط دادند (حسینی‌زاده ۱۳۸۳: ۱۱).

مفاهیم اساسی نظریه آن‌ها «دال و مدلول»، «اصل اختیاری‌بودن نشانه‌ها»، «مفهوم گفتمان»، «مفصل‌بندی»، «دال مرکزی»، «دال شناور»، «ضدیت‌ها یا غیرت‌سازی»،

«هژمونی» و «ساختار شکنی» است که در ادامه به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود. دو مفهوم «دال و مدلول» در نظریه لاکلاو و موفه نقش کلیدی دارد. دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، و نهادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چهارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که هر دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود (کسرابی و شیرازی ۱۳۸۸: ۳۴۳).

اصل «اختیاری بودن نشانه‌ها» برگرفته از سوسور بیان می‌کند که هر نشانه زبانی ترکیبی از دال و مدلول بوده که رابطه میان آن‌ها کاملاً اختیاری است. به تعبیری، نظام زبانی واقعیت را مفصل‌بندی می‌کند (اسمیت ۱۹۹۸، به نقل از بخشایش اردستانی ۱۳۸۸: ۵۹). «گفتمان» نیز حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای درمی‌آیند و معنایشان در آن‌جا تثبیت می‌شود (سلطانی ۱۳۸۷: ۷۶). مفهوم‌سازی لاکلاو و موفه از گفتمان ویژگی رابطه‌ای هویت را تأیید می‌کند. معنای اجتماعی کلمات، کلام‌ها، کنش‌ها، و نهادها همگی در ارتباط با زمینه کلی‌ای که جزئی از آن هستند درک می‌شوند (مارش و استوکر ۱۳۷۸: ۲۰). مفصل‌بندی نیز فرایندی است که به واسطه آن نشانه‌ها با هم جوش می‌خورند (Laclau 1985: 109) مفصل‌بندی به گردآوری عناصر و ترکیب آن‌ها در هویتی نو می‌پردازد (سلطانی ۱۳۸۳: ۱۶۷). معنای نشانه‌ها درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی به طور موقت تثبیت می‌شود. به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند «دال مرکزی» می‌گویند. نشانه‌ها و مفاهیم در این نظریه «دال شناور» هستند که گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به آن‌ها معنا دهند. دال شناور یا سیال دالی است که مدلول آن شناور و غیرثابت است. مبارزه بر سر خلق معنا همواره نقشی اساسی دارد، نزاع و تقابلی که بر کل جامعه سایه می‌افکند و نیروی پیش‌راننده آن است (سلطانی ۱۳۸۷: ۹۴). ایجاد و تجربه ضدیت‌های اجتماعی از سه جنبه امری محوری برای نظریه گفتمان هستند. نخست، ایجاد یک رابطه خصمانه که اغلب به تولید یک دشمن یا دیگری (Other) منجر می‌شود، برای ترسیم مرزهای سیاسی امری حیاتی است. دوم، شکل‌گیری رابطه خصمانه و تثبیت مرزهای سیاسی امری محوری برای تثبیت بخشی از هویت صورت‌بندی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی است. سوم، تجربه ضدیت نمونه‌ای است که حدوثی بودن هویت را نشان می‌دهد (مارش و استوکر ۱۳۷۸: ۲۰۵).

«هژمونی» یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. در صورتی که یک گفتمان موفق شود، با اتکا بر دال مرکزی خود مدلول‌های مدنظر خود را به دال‌های گفتمانش نزدیک کند یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در



ذهنیت جمعی اجتماع، هر چند به طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان به هژمونیک می‌شود (سلطانی ۱۳۸۳: ۱۵۷). اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف این نظام معنایی را ساختارشکنی یا شالوده‌شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل گرفته در ذهنیت جمعی مردم را درهم ریزد، این گفتمان هژمونی‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی‌شان برای تولید معنا بستگی دارد. هژمونی و «ساختارشکنی» دو روی یک سکه‌اند. هژمونی باعث نزدیک شدن دالی به مدلولی خاص و ثبات نسبی معنای یک نشانه می‌شود. ساختارشکنی، با انتساب مدلول و معنایی متفاوت به آن دال، مفهومی را که گفتمان رقیب به آن دال چسبانده بود دور می‌سازد، آن دال را بازتعریف می‌کند و هژمونی گفتمان موردنظر را می‌شکند (همان: ۱۳۹۵).

در کل هدف از تحلیل آشکارکردن واقعیت عینی، برای مثال نشان دادن این‌که جامعه «حقیقتاً» از چه گروه‌هایی تشکیل شده نیست، بلکه هدف تحلیل کندوکاو در این است که واقعیت را چگونه می‌سازیم که این چنین عینی و طبیعی به نظر می‌رسد. لب کلام نظریه گفتمان لاکلا و موفه این است که «ما عینیت را از طریق تولید گفتمانی معنا می‌سازیم» (گمشاد ۱۳۹۴: ۶۷-۶۸).

#### ۴. روش مطالعه

این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) که «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است» (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۸۹: ۱۸) انجام شده است. تحلیل گفتمان که به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام»، و «تحلیل گفتار» ترجمه شده، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است (بهرام‌پرور ۱۳۷۹: ۲۳) که با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی به‌ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سروکار دارد. مک میلن تحلیل گفتمان را اصطلاحی برای مطالعه قسمت اعظم زبان می‌داند که شامل تنوع رویکردها و دیدگاه‌های مختلف با روش‌های گوناگون برای بررسی زبان و کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی است. نقطه کانونی تحلیل گفتمان برای بررسی متن نوشتاری یا گفتاری فراتر رفتن از خود متن و پرداختن به بافت یا زمینه متن است. متن از یک سو بر اساس روابط درون‌متنی و از سوی دیگر با تکیه بر موقعیت متن و بافت‌های اجتماعی، سیاسی، و تاریخی بررسی می‌شود (Macmillan 2006:10). داده‌های پژوهش سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های حسن

روحانی، از زمان تصدی پست ریاست جمهوری، درخصوص جایگاه و مسائل مربوط به زنان در حوزه‌های مختلف بوده که از سایت رسمی وی و پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری انتخاب شدند.

به دلیل زیادنبودن این سخن‌رانی‌ها، همه آن‌ها موردتحلیل قرار گرفت. از آن‌جاکه در تحلیل گفتمان رعایت تصادفی بودن در نمونه‌گیری ضرورتی ندارد و نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی هدفمند صورت می‌گیرد. همین تعداد اندک نیز می‌توانند مبنای شناسایی و تحلیل چگونگی بازنمایی و تصویر زنان در گفتمان ایشان قرار گیرند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها براساس روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است که از «دال» الگوی آن‌ها مفاهیم تحلیلی متعددی استخراج و بررسی شده است. مراحل زیر در تحلیل داده‌ها مدنظر بوده‌اند.

در مرحله اول، به خواندن و بازخوانی مکرر متون پرداخته شد تا محققان درک عمیقی از آن‌ها به دست آوردند و تاحدودی برآن اشراف پیدا کنند. در این مرحله، واژه‌هایی تعیین شد که بیش‌تر در متون تکرار و بر آن‌ها تمرکز شده بود. در مرحله بعد، محققان دال مرکزی گفتمان را، که درواقع نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم و انسجام معنایی پیدا کرده بودند، مشخص کردند و به بررسی معنایی آن پرداختند. در مرحله سوم، دال‌های مهم دیگری که گفتمان روی آن متمرکز شده بود شناسایی شدند. نکته مهم در این بخش یافتن معنایی است که این دال‌ها در گفتمان موردنظر پیدا کرده، به خصوص این‌که همه آن‌ها حول دال مرکزی تعریف و تثبیت شده‌اند. درنهایت، از طریق مفصل‌بندی گفتمان، بین عناصر مختلف رابطه برقرار شد و هویت عناصر در نتیجه مفصل‌بندی تعریف و تعدیل شد.

در تحلیل گفتمان شناسایی فضای متخاصم گفتمان‌ها نیز ضروری است، زیرا گفتمان‌ها در این فضا هویت می‌یابند و نظام معنایی خود را ایجاد می‌کنند. بدین منظور به فرایندهایی پرداخته شد که گفتمان موردنظر از طریق آن‌ها به طرد «دیگری» و تثبیت «خود» در فضای متخاصم می‌پردازد. در این‌جا شناسایی قطبیت «ما»/ «آن‌ها» یا «خود»/ «دیگری» و وجوه تمایزگذاری خود از آن‌ها امری مهم است. بر این مبنای روندهایی موردتوجه قرار گرفت که از طریق آن این گفتمان خود یا ما را به نکات، اقدامات، و افکار مثبت و صحیح و گفتمان دیگر را به اقدامات و کارهای منفی مرتبط کرده است. این عمل از طریق «شناسایی واژه‌های نسبت داده‌شده به «ما» و «آن‌ها»، «شناسایی غیرت‌سازی و دشمن‌سازی‌ها»، «شناسایی بازتعریف دال‌ها از طریق ساختار شکنی» و «شناسایی نحوه تثبیت معنا از طریق هژمونی» صورت گرفت.

## ۵. یافته‌ها

### ۱.۵ دال مرکزی برابری جنسیتی (Gender Neutrality)

در هر مفصل‌بندی دال‌های گوناگونی وجود دارد که ارزش یک‌سانی ندارند. بخش اصلی هر مفصل‌بندی دال مرکزی است. دال مرکزی با ثبات معنایی است که سایر دال‌ها حول آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل و انسجام‌بخش همه دال‌هاست. دال مرکزی گفتمان اعتدال‌طلب روحانی درخصوص زنان را می‌توان «برابری جنسیتی» نامید که بقیه دال‌ها حول آن معنا یافته و مفصل‌بندی شده‌اند.<sup>۱</sup> برابری جنسیتی، یعنی جنسیت هیچ ارتباطی با تخصیص و اعمال حقوق و وظایف ندارد. به عبارتی، حقوق و وظایف متعلق به تمام انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جنسیت است (صفری شالی ۱۳۹۴).

مگر می‌توان نیمی از جامعه را فراموش کرد و ۵۰ درصد از افراد جامعه را در حاشیه گذاشت، زنان باید دارای فرصت برابر، مصونیت برابر، و حقوق اجتماعی برابر باشند... نه مرد را جنس اول می‌دانیم و نه زن را جنس دوم. زن و مرد را در برابر یکدیگر نمی‌بینیم. زنان در کنار مردان و هردوی آن‌ها عین هم و مانند هم دارای مقام و کرامت انسانی هستند. نه زن برتر است و نه مرد بالاتر. نه این فرودست و نه آن فرادست است. نه این دون است و نه آن عالی است. هردو من نفس واحده هستند (روحانی، سخنرانی در همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ ۱۳۹۳).

برابری جنسیتی در این گفتمان همه‌جانبه و در همه حوزه‌های زندگی مورد تأکید است؛ در نقش‌ها و موقعیت‌هایی نظیر نقش‌های خانوادگی، اجتماعی، تحصیل، اشتغال، سرگرمی، هم‌چنین در نوع صفات و القاب کاربردی برای زنان و مردان. به نظر می‌رسد منبع این نابرابری‌ها و لذا انتقاد از آن‌ها از دامنه مرزهای عرفی تا قانونی امتداد می‌یابد.

قابل قبول نیست... خانم‌ها در علم و دانش دوشادوش مردها حضور داشته باشند، اما در عرصه اقتصاد و سیاست شاهد عدم تناسب باشیم... زنان مطابق قوانین ایران در اموری مانند ارث، طلاق،... حقوق برابر با مردان ندارند و در عمل... در برخی مقام‌های عالی مدیریتی حضور نداشته‌اند (همان).

روحانی با احضار و الگودانستن حضرت فاطمه و اتصاف ایشان به صفاتی نظیر شهامت، شجاعت، حق‌باوری، حق‌مداری (صفاتی که در تقسیم‌بندی‌های تلویحی جنسیتی، بیش‌تر مردانه به نظر می‌رسند تا زنانه) تمایز‌گذاری شدید روحی روانی بین زنان - مردان و تبعیض مبتنی بر آن را مورد بازخوانی و انتقاد قرار می‌دهد.

«فاطمه... الگویی برای همه انسان‌هاست. فاطمه یعنی شهامت، شجاعت، حق‌باوری، حق‌مداری...» (همان). البته وی برای جدایی ایده‌ی برابری جنسیتی از تفکرات جنسیتی افراطی و تفریطی، مرزهای تمایز با آن‌ها را ترسیم می‌کند. روحانی برای تمایزیابی و ایجاد مرزبندی بین «ما» و «آن‌ها»، یعنی نگرش فمینیستی مروج آزادی و برابری افراطی و نگرش متحجرانه‌ی هواخواه تفکیک جنسیتی فراگیر، می‌گوید: «ما تفکرات فمینیستی را قبول نداریم، اما تحجر را هم نمی‌پذیریم» (روحانی، سخن‌رانی در همایش زنان، اعتدال، و توسعه ۱۳۹۴).

## ۲.۵ هم‌ارزی فضای عمومی و خصوصی

یکی از دال‌های سیالی که گفتمان‌های متفاوت داخلی تلاش می‌کنند به‌روشنی خاص خود آن را «معنا» کنند، جایگاه زن در فضاهای عمومی یا خصوصی جامعه است. ترسیم تقابلی این دو فضا از پرمناقشه‌ترین حوزه‌ها در دو گفتمان لیبرال و بنیادگرا و هم‌چنین گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی است. می‌توان گفت گفتمان اصول‌گرا «فضای خصوصی و خانواده» و گفتمان اصلاح‌طلب «فضای عمومی و جامعه‌ی مدنی» را برای زنان برجسته‌تر می‌کند. گفتمان روحانی با برجسته و هم‌ارزدانستن «فضای عمومی و خصوصی» آن‌ها را در تقابل باهم نمی‌بیند؛ هرچند وضعیت کنونی حضور زنان در فضاهای عمومی را به‌نقد می‌کشد و آن را برای حضور زنان کافی نمی‌داند. به‌عبارتی، ضمن سعی در برقراری تعادل بین این دو عرصه، تلویحاً نوعی اولویت ضمنی برای حضور فراگیر زنان در «فضای عمومی» قائل است. برای مثال، همان‌گونه که نقش مادری در نظر وی مهم بوده نقش‌های حرفه‌ای غیرمرسوم (مانند مهندسی)<sup>۲</sup> برای زنان نیز برجسته تلقی می‌شوند.

آیا وظیفه فقط مادری است...؟! ... درست است که هیچ رسالتی بالاتر از تربیت فرزندان و انسان‌ها وجود ندارد؛ اما آیا تربیت فرزند... با حضور در جامعه و رسالت‌های اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی تضاد دارد؟ (روحانی، سخن‌رانی در همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ ۱۳۹۳).

روحانی با بیان این‌که «نمی‌دانم عده‌ای بر چه مبنایی می‌گویند زن باید برای همیشه محصور در خانه بماند» (روحانی، سخن‌رانی در همایش زنان، اعتدال و توسعه ۱۳۹۴)، به ساختارشکنی از گفتمان رقیب (اصول‌گرایی) می‌پردازد که نقش‌های خانوادگی را نقش اصلی زنان می‌داند. وی هم‌چنین حضور مؤثر زنان در نقش‌های جدید را در کنار نقش‌های معمول و مرسوم آن‌ها قرار داده می‌گوید:

در کدام دانشگاه و دبستان و دبیرستان است که حضور فرهیخته زنان تعلیم‌گر و آموزگار و مدرس دانشگاه را نبینید و مشاهده نکنید؟ در کدام کارخانه، صحنه کار، مخصوصاً در شرایط پیشرفت علمی و تکنولوژیکی حضور ندارند (همان).

وی با بازتعریف نقش زنان با استفاده از سخنان امام (ره)، به‌منزله بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، هم‌چنین اتکای به منابع دینی و قرآنی سعی در تثبیت و ایجاد هژمونی این عنصر در گفتمان خود و ساختارشکنی و غیریت‌سازی از گفتمان رقیب دارد. به‌این‌معنا که دیدگاه وی در مورد نقش زنان ادامه و در راستای دیدگاه امام و اسلام است، درحالی‌که گفتمان رقیب اعتقادی به تعالی زنان ندارد و حتی از آن می‌ترسد و این اعتقاد را به‌پای دین اسلام می‌گذارد. «ما راه و مسیر آن امام را طی می‌کنیم». «آن‌هایی که از حضور زن و تعالی زن می‌ترسند و چنین ایده و اعتقادی دارند لطفاً این اعتقاد غلط را پای اسلام، دین، و قرآن ننویسند» (همان).

در اکثر سخنرانی‌های وی نقش‌های مرسوم و خانوادگی زنان به‌تنهایی مورد تأکید قرار نگرفته، بلکه در کنار اهمیت این نقش‌ها، نقش‌های اجتماعی نیز مطرح و حتی به‌صورتی برجسته‌تر ترسیم شده‌اند. حتی به‌نظر می‌رسد در تقابل با گفتمان اصول‌گرا، که ورود زنان به عرصه عمومی را به‌بهانه «ناامنی» آنان یا محدود می‌کند، روحانی در مقابل معتقد است باید فضای عمومی جامعه «ایمن» شود نه این‌که از حضور زنان در این فضا ممانعت شود. «آیا تنها خانه مأمّن زنان است؟ ما این امنیت را باید به اداره و جامعه و خیابان و همه جای کشور گسترش دهیم» (روحانی، سخنرانی در همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ ۱۳۹۳).

### ۳.۵ عفاف محوری

در سال‌های اخیر با گسترش فرهنگ غربی یکی از مهم‌ترین دال‌های شناور در جوامع اسلامی، که موجب «تخاصم و جدال» بین گفتمانی شده، به «بدن زنان» و میزان و نحوه پوشش و شیوه‌های مراقبت از آن مربوط می‌شود. بدن می‌تواند موضوعی «خصوصی» تلقی شود و بهره‌برداری از آن در مجامع عمومی ممنوع شود یا این‌که به‌منزله زینت به حساب آید و صاحب آن اجازه دارد آن را به‌عنوان کالایی ارزش‌مند ارائه دهد (زاهد زاهدانی ۱۳۸۵: ۱۰۹). بعضی پوشش کامل و ظاهری، به‌ویژه پوشش زنان، را در مرتبه اول اهمیت دانسته‌اند و بر آن تأکید می‌کنند؛ بعضی در مقابل خودمراقبتی درون و عفت فراجنسیتی را مبنای ارزیابی

افراد می‌دانند. از این نظر، گفتمان روحانی خلاف گفتمان رقیب اصول‌گرا، که بر حجاب<sup>۳</sup> و پوشش ظاهری تأکید دارد، تمرکز خود را بر روی «عفاف» می‌گذارد. حجاب، حداقل در گفتمان اصول‌گرا، در درجه اول بر پوشش و وضعیت ظاهر و بعد بر تفکیک جنسیتی در مناسک‌ها و مناسبت‌های جمعی مانند گردهم‌آیی‌ها، حتی کلاس‌های درس، و... متمرکز است. روحانی با تأکید بر «عفاف»، که ماهیتی «درونی» دارد نه «بیرونی» و با «امنیتی و پلیسی» نامیدن نگاه‌های مخالف حضور زنان، با بیان این‌که این اعمال مخالف شادی است و با شعارهای اولیه انقلاب هم‌خوانی ندارد، به ساختارشکنی از گفتمان رقیب می‌پردازد. در واقع، «آن‌هایی» که این نوع نگاه را دارند، از اصول اولیه انقلاب منحرف شده‌اند و قرائت‌های خاص خود را از اسلام و قانون اساسی دارند:

یک عده‌ای فکر می‌کنند اگر جوانان با هم کوه بروند، در یک مراسم شادی شرکت کنند، یا در خیابان باهم قدم بزنند، عفت جامعه خدشه‌دار می‌شود. واقعیت این است که عفت را چیزهای مهم‌تری تهدید می‌کند. برخی از برخوردها هم ناشی از نگاه پلیسی و امنیتی به جامعه است، نگاهی که همه‌چیز را سیاسی می‌بیند (روحانی، حجاب را عین عفاف ندانیم ۱۳۹۲).

«عفاف» در گفتمان روحانی حوزه وسیع تری را دربرگرفته و تنها شامل پوشش نمی‌شود. در این گفتمان، زنان بدون حجاب ولی عقیف هم به رسمیت شناخته می‌شوند و نباید دچار خشونت و محدودیت‌های فراقانونی و اغلب سیاسی شوند. البته عفاف را هم مسائلی فراتر از پوشش و حجاب، نظیر ناتوانی در ازدواج، تهدید می‌کند. وی با این بیان که «حجاب مطابق استانداردهایی که عده‌ای دوست دارند»، به ساختارشکنی از گفتمان رقیب پرداخته، حجاب ظاهری را تنها ملاک یا ملاک برتر ارزیابی زنان نمی‌داند. در این راستا برای هژمونیک کردن مفهوم «عفاف» دایره منکرات گسترش می‌یابد و از محدوده یک جنس تنها فراتر می‌رود و ماهیتی فراجنسیتی پیدا می‌کند.

عقیف بودن چیزی فراتر از حجاب داشتن است... حجاب را عین عفاف ندانیم... می‌توان کسانی را هم یافت که ظاهر مطابق قانون دارند و حجاب دارند (چه مرد و چه زن)، ولی اصول عفت را رعایت نمی‌کنند... حجاب مطابق استانداردهایی که عده‌ای دوست دارند و تعریف کرده‌اند (همان).

«مبادا... از صبح تا شب فقط یک مسئله و آن هم بدحجابی به‌عنوان منکر مطلق تلقی گردد» (روحانی، سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم زنجان ۱۳۹۳).

## ۴.۵ نقش‌های اجتماعی فراستی

استحقاق زنان در انتساب یا اکتساب نقش‌های خاص تا حد زیادی به تعریف ماهیت زنان بستگی دارد که خود به تأثیر از دو نوع نگاه «ذات‌گرایانه» (Essentialist) یا «نام‌گرایانه» (Nominalist) است. زنان در نگاه ذات‌گرایانه قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های ذاتی دارند که آن‌ها را مستعد ایفای نقش‌های خاصی مانند مادری، همسری، معلمی، و پرستاری کرده است. درمقابل نام‌گرایان تفاوت‌چندانی بین زنان و مردان در ایفای نقش‌های اجتماعی نمی‌بینند. بنابراین دال شناور و مهم دیگر به «نقش»‌های اجتماعی مناسب زنان در جامعه برمی‌گردد. زنان همیشه نقش‌های خارج از خانه را برعهده داشته‌اند، اما آن‌ها نیز حول نقش‌های سنتی سازمان می‌یافته‌اند. به این معنا که زنان مشاغلی را در اجتماع عهده‌دار می‌شدند که با تفکر سنتی و نقش‌های خانوادگی آن‌ها هم‌خوان بوده و یا تشابه بیش‌تری با نقش «زنانگی» و مراقبتی زنان در محیط امن خانه داشته است؛ نظیر نقش معلمی و پرستاری. اما در گفتمان روحانی تأکید بر ایفای «نقش‌های فراستی» زنان در حوزه عمومی است که تفاوت‌هایی با نقش‌های اجتماعی مورد تأکید برای زنان در گفتمان اصول‌گرا دارد. روحانی ماهیت «دنیای کار و تولید» را به‌قصد حمایت از زنان بازتعریف می‌کند و حوزه آن را گسترش می‌دهد، تاجایی که برابری جنسیتی به همه مشاغل تسری یافته و زنان می‌توانند همانند مردان هر شغلی را احراز کنند. به‌علاوه، «حقوق و امتیازات» نقش‌ها هم باید برابر و فراجنسیتی باشد. تأکید بر مفاهیمی مانند «دختران مهندس» حاوی معنای ضمنی ارتقای دایره اشتغال زنان از مشاغل خدماتی به مشاغل تولیدی و مدیریتی است. وی با عبارت «برخی می‌گویند تنها برای جوانان پسر شغل درست کنیم»، به ساختارشکنی از گفتمان رقیب اصول‌گرا می‌پردازد و فراهم کردن امکانات شغلی برای هر دو جنس را مطرح می‌کند. بدین ترتیب، رفع نابرابری و تفکیک جنسیتی به دو صورت افقی و عمودی مطرح است. از یک سو به رسمیت‌شناختن مشاغل مدیریتی برای زنان و از سوی دیگر، فراهم کردن فرصت اشتغال در حوزه‌های جدید و غیرخدماتی مدنظر است. به‌منظر می‌رسد که برخلاف گفتمان اصول‌گرایی که بر هویت جنسیتی متمایز و هویت دینی زنان تأکید دارد و هم‌چنین گفتمان اصلاح‌طلبی که بر نقش و هویت سیاسی و حقوقی زنان تأکید داشت، گفتمان روحانی بیش‌تر در عرصه‌های اجتماعی، به‌ویژه اقتصادی، برجستگی دارد. تأکید بر عبارت‌هایی نظیر «مشاغل مدیریتی برای زنان»، «بی‌کاری زنان»، «تأمین اجتماعی برای زنان» می‌تواند شواهدی بر این مدعا باشد.

زنان و مردان... باید از امتیاز و حقوق برابر برخوردار باشند... شما فکر می‌کنید دختران مهندس از لحاظ توان‌مندی علمی از پسران مهندس کم‌تراند؟... امروز زنان باید دارای منزلت برابر با مردان باشند، پس ارتقای مشارکت زنان در عرصه‌های مدیریتی باید یک اصل باشد... جبران تفاوت فاحش بین نرخ بی‌کاری زنان و مردان در دولت تدبیر و امید مورد توجه خواهد بود (روحانی، سخن‌رانی در بیست‌وپنجمین جشنواره ملی امتنان از کارگران ۱۳۹۳).

### ۵.۵ بازخوانی اسلامی - انقلابی جنسیت

روحانی، به‌منظور تثبیت و هژمونیک‌کردن دال «برابری جنسیتی» و دیگر دال‌های شناور و البته گریز از اتهام «غرب‌گرایی» یا «اسلامی - انقلابی نبودن»، از بازمعنایی مجدد اصول انقلاب و جمهوری اسلامی منابع (Resources) دینی (قرآن)، قانونی، و الگوهای برجسته دینی هم‌جنس زنان (حضرت فاطمه زهرا (س))، ناهم‌جنس (حضرت علی (ع))، و رهبران گذشته و کنونی جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. در این جا ارتقای جایگاه زنان به همان اندازه که مبنای اعتقادی و دینی دارد، مبنای اجتماعی و سیاسی نیز پیدا می‌کند. حتی مخالفت و بی‌توجهی بعضی گفتمان‌ها به حقوق و مطالبات زنان را مخالف «منطق اسلام» می‌داند.

از نگاه «نظام جمهوری اسلامی و از نگاه منطق اسلام زن و مرد در رسالت‌های اجتماعی و نقش‌آفرینی‌ها برابرند... اگر در جامعه امروز می‌بینیم که به مطالبات زنان توجه نمی‌شود، این با منطق انقلاب سازگار نیست» (روحانی، سخن‌رانی در جشن میلاد حضرت فاطمه ۱۳۹۲).

امام فرموده اگر زن برتر نباشد، از مرد کم‌تر نیست... این بیان انقلاب است که زن و مرد نقش برابر در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه دارند. رهبر معظم انقلاب هم فرموده‌اند که زن مسلمان باید در... همه فعالیت‌های اجتماعی‌الگویی از زندگی حضرت فاطمه (س) بردارد (همان).

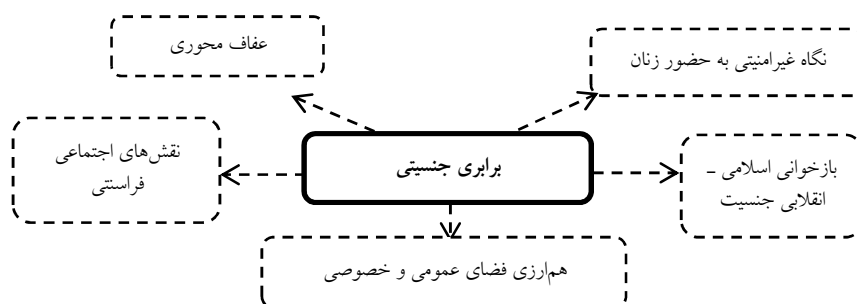
در متن سخن‌رانی یادشده بر حضور زنان در «فعالیت‌های اجتماعی» و «درگیری در مسائل سیاسی و اجتماعی» تأکید شده، برعکس به‌ندرت از نقش‌های خانوادگی و مادری و اولویت آن‌ها برای زنان صحبت شده است. به‌نظر می‌رسد که چنین تمهیدی برای برجسته‌کردن نقش‌های حرفه‌ای زنان اتخاذ شده است.



## ۶.۵ نگاه غیرامنیتی به حضور زنان

از مهم‌ترین توجیهاتی که برای دور نگه داشتن زنان از عرصه‌های عمومی ارائه می‌شود، توجیهات «امنیتی» است. بنابراین عنصر امنیت و عوامل ایجادکننده یا تهدیدکننده آن یکی از مهم‌ترین دال‌های شناور در گفتمان‌های مربوط به زنان است. گفتمان‌های افراطی حضور زنان در فضاهای عمومی را یا مهم‌ترین تهدید امنیتی برای خود زنان و خانواده‌شان دانسته یا آن را اسباب گناه و وسوسه‌های شیطانی مردان و اجتماع می‌دانند. در گفتمان روحانی، حضور زنان در فضاهای عمومی امنیتی ترسیم نشده است. به نظر می‌رسد این دال تنها در تقابل با گفتمان اصول‌گرایی مطرح شده است، زیرا گفتمان اصلاح‌طلب به‌نوعی حضور پررنگ زنان در جامعه را ترویج و تقویت می‌کند. وی هرگونه «خشونت» با زنان با هر نام و بهانه‌ای را ناپسند دانسته و آن را نوعی «تبعیض و افراط و افراطی‌گری» تلقی می‌کند. «خشونت» در این جا می‌تواند به اقداماتی نظیر طرح امنیت اجتماعی و گشت ارشاد اشاره داشته باشد که با هدف و شعار برقراری امنیت اخلاقی اجرا می‌شود. حتی زنان را به‌منزله «پاسداران» اصلی عفت عمومی به حضور در عرصه عمومی و پاسبانی از «عفت عمومی جامعه» دعوت می‌کند. روحانی بدین طریق، علاوه‌بر غیریت‌سازی از گفتمان رقیب اصول‌گرایی، مرز بین «ما» و «آن‌ها» را ترسیم می‌کند، زیرا «آن‌ها» حضور زن را تهدید محسوب می‌کنند، درحالی‌که برای «ما» زن حافظ عفت عمومی جامعه است.

با خشونت و تکبر با زنان عزیز جامعه ما برخورد نکنید. ما نه فرهنگ خشونت و نه خشونت فرهنگی... نه فرهنگ افراط و نه افراطی‌گری فرهنگی را برای جامعه‌مان و به‌ویژه برای زنانمان نخواهیم پذیرفت... چرا عده‌ای حضور زن را تهدید احساس می‌کنند، زن چه تهدیدی است... زنان خود پاسدار عفت جامعه هستند (روحانی، سخنرانی در جشن میلاد حضرت فاطمه ۱۳۹۲).



نمودار ۱. دال مرکزی و زنجیره مفاهیم و دال‌های مهم هم‌ارزی مفصل‌بندی‌شده حول آن

## ۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به تحلیل گفتمان سخن‌رانی‌های رئیس‌جمهور دولت یازدهم، حسن روحانی، درخصوص زنان پرداخته شد. همان‌طور که در مقدمه آمد، دو گفتمان اصلی در حوزه سیاست ایران، گفتمان اصول‌گرا، و گفتمان اصلاح‌طلب هستند که هرکدام خوانش خاص خود را در مورد نقش، هویت، و مسائل زنان دارند. در مقابل دو گفتمان بالا، دولت یازدهم با طرح شعار و گفتمان جدید «اعتدال» در آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز صحنه رقابت شد. بی‌شک یکی از «دال‌های محوری در گفتمان اعتدال به عنصر «جنسیت و زنان» و چگونگی مفصل‌بندی آن‌ها مربوط است. هدف پژوهش حاضر تحلیل گفتمان این رویکرد و شناسایی تفاوت آن با دو گفتمان مسلط دیگر، به‌ویژه گفتمان عدالت‌گرایی، در تعریف هویت و مسائل مربوط به زنان بود. درابتدا، همه سخن‌رانی‌های روحانی با استفاده از رویکرد لاکلا و موفه موردکاوش قرار گرفت. سپس، دال مرکزی و دال‌های شناور در این گفتمان شناسایی و فرایندهای ایجاد هژمونی و متقابلاً ساختارشکنی و غیریت‌سازی تحلیل و ارائه شد.

تجزیه و تحلیل سخن‌رانی‌های موردنظر نشان داد دال مرکزی گفتمان دولت یازدهم برای تعریف و بازنمایی هویت زنان «برابری جنسیتی» بوده که برای تثبیت معنای خود از عناصر و دیگر دال‌های «عفاف‌محوری»، «هم‌ارزی فضای عمومی و خصوصی»، «نقش‌های اجتماعی فراستی»، «بازخوانی اسلامی - انقلابی از جنسیت»، و «نگاه غیرامنیتی به حضور زنان» در مفصل‌بندی گفتمانی‌اش بهره گرفته است. به‌نظر می‌رسد روحانی با بازخوانی و بهره‌گرفتن از هردوی منابع و متون اسلامی و مدرن (قانون) برابری زنان را به عرصه و قلمروی خاص محدود ندانسته و توانایی و کنش‌گری زنان و مردان را در همه قلمروها و حوزه‌ها «برابر» می‌داند. با در نظر گرفتن سه دال کلیدی<sup>۱</sup> در نحوه تحلیل گفتمان در رویکرد لاکلا و موفه می‌توان گفت گره‌گاه (Nodal Point) و دال محوری که سازمان‌دهنده گفتمان روحانی است، «برابری جنسیتی» است، اما در حول این دال مرکزی دال‌های اصلی دیگری مفصل‌بندی شده‌اند که مهم‌تر از همه بازخوانی هویتی «زنان» براساس منابع و متون اسلامی - انقلابی و مدرن است. هویتی که براساس آن حضور زنان به بهانه‌هایی مانند «امنیتی دیدن حضور زنان» یا عدم رعایت «حجاب» به فضای خصوصی خانواده یا ایفای نقش‌های سنتی محدود نشده، بلکه آن‌ها می‌توانند با خودمراقبتی (عفاف) و ایفای نقش‌های فراستی و حضور پررنگ در قلمروهای عمومی جامعه زمینه‌توان‌مندی و توسعه خود،

دیگران، و جامعه را فراهم آورند. روحانی معتقد است که آنچه عفاف را تهدید می‌کند، ظاهر و بی‌حجابی نیست، بلکه فقر اقتصادی برای ازدواج است. بنابراین عفاف فراتر و متفاوت با پوشش ظاهری تعریف می‌شود و هرگونه اعمال قهری و خشونت به‌نام حجاب و امنیت خلاف آموزه‌های دین، انقلاب، قانون، بیان، و رفتار شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی تلقی می‌شود.

روحانی ضمن تأکید بر عدم تأثیر جنس/جنسیت بر تحصیلات، انتخاب رشته، آموزش دانشگاهی، و رضایت نسبی از وضعیت برابری تحصیلی زنان و مردان نابرابری جنسیتی در زمینه اشتغال و سایر قلمروهای اجتماعی را به‌نقد می‌کشد و بر رفع موانع ساختگی و اجتماعی برای حضور فراگیر زنان در بخش‌های مختلف خدماتی و تولیدی (حذف نابرابری‌های جنسیتی افقی) و سلسله‌مراتب مدیریتی امور جامعه (حذف نابرابری‌های جنسیتی عمودی) تأکید دارد. در این گفتمان، زنان و قضیه «حجاب» آنان به‌منزله «ام‌المسائل» ارزیابی نمی‌شود، دایره منکرات بعدی فراجنسی/فرابدنی می‌یابد، زیرا مردان به همان اندازه زنان می‌توانند درگیر مسئله حجاب و «عفاف» شوند. به‌علاوه، همه مسائل به مسائل مرتبط با پوشش و مدیریت «بدن» فروکاسته نمی‌شود، بلکه همه مسائل اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی می‌توانند جزو مسائل مهم جامعه و ازجمله زنان تلقی شوند. بنابراین زنان در مقام «متهم» استیضاح نشده (به‌زبان آلتوسری)، بلکه از پی‌آمدهای منفی اتهامات، «نام‌گذاری»ها، و بهانه‌جویی‌هایی که به‌نام «اسلام، امنیت، و مبارزه با فساد» بر زنان روا داشته شده و موجب الصاق «داغ» و «انگ» هویتی بر آنان می‌شود، سخن به‌میان می‌آید. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش صفری شالی و تحقیق صادقی فسایی و دیگران مقایسه‌شدنی است. نتایج پژوهش صفری شالی (۱۳۹۴) حاکی از آن بود که در گفتمان اصلاحات مقوله زنان و عدالت جنسیتی به‌صورت پررنگ‌تری مطرح شد. حتی در برنامه چهارم توسعه «بی‌تفاوتی جنسیتی» برنامه سوم به‌سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیضی مثبت حرکت کرده است، درحالی‌که در برنامه پنجم توسعه و در گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور، با تأکید بر نهاد خانواده و نقش مهم و اثرگذار زنان بر خانواده برای زن عمدتاً جایگاه همسری و مادری و حضور زنان در خانواده مورد تأکید بوده است. تحقیق صادقی فسایی و دیگران (۱۳۹۵) نیز نشان داد که گفتمان دوره اصلاحات سعی در مشارکت اجتماعی زنان داشته، اما گفتمان اصول‌گرا از یک‌سو مشارکت اجتماعی زنان را در حضور توده‌وار اجتماعی تأویل می‌کند و از سوی دیگر با اتخاذ رویکردی مرتجع، مکرراً وظایفی مانند مادری و همسری زنان را بازتولید می‌کند.

در کل می‌توان گفت که رسالت گفتمان اعتدال‌گرا بر ایجاد توازن میان زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان است، به نحوی که آنان به انتخاب ناچار نباشند، بلکه شرایط به نحوی باشد که هر دو فعالیت در کنار هم امکان‌پذیر باشد. با وجود این، این گفتمان بیش‌تر رنگ‌وبوی «اجتماعی و اقتصادی» دارد تا سیاسی (اصلاح‌طلبی) یا فرهنگی (عدالت‌گرایی)، اما دال‌های مرکزی و مهم در این گفتمان از جمله حضور گسترده زنان در فضای عمومی، برابری فراگیر، امنیتی‌ندیدن حضور زنان در عرصه عمومی، با گفتمان اصلاح‌طلبی قرابت و سنخیت بیش‌تری دارد تا گفتمان اصول‌گرایی.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ناگفته نماند در ایران نابرابری جنسیتی در همه حوزه‌ها از جمله در زمینه اشتغال و بی‌کاری (صادقی فسایی و دیگران (۱۳۹۵)، جداسازی در بازار کار (افقی و عمودی) (Afshari and Iman 2006)، انواع فعالیت‌های فرهنگی (رجب‌زاده ۱۳۸۱)، مشارکت اجتماعی پایین‌تر زنان در مقایسه با مردان (عبداللهی ۱۳۸۳)، و حتی فضاهای شهری (شادی‌طلب ۱۳۸۱) برجسته است..
۲. براساس تحقیقات بیش‌ترین تعداد زنان در مشاغل معلمی و پرستاری و مناصب غیرمدیریتی مشغول به کارند؛ به عبارتی نوعی جدایی‌سازی و نابرابری جنسیتی برجسته افقی و عمودی اشتغال در ایران وجود دارد (صادقی فسایی و دیگران ۱۳۹۵).
۳. حجاب یعنی پرده، ستر (معین ۱۳۸۸).
۴. عفاف یعنی پارسایی، پرهیزگاری، پاک‌دامنی (همان).
۵. تا حد زیادی براساس تز خودمتهم‌کردن قربانی می‌توان این وضعیت را توجیه کرد و این‌که همیشه باید رعایت حجب، حیا، و شرم از سوی زنان باشد.
۶. این سه دال کلیدی گره‌گاه‌ها، دال‌های اصلی (سازمان‌دهنده هویت)، و افسانه‌ها (فضای اجتماعی) هستند که در پیوند با هم جهت‌دهنده تحلیل‌ها هستند (یورگنسن و فلیپس ۱۳۸۹: ۹۴).

### کتاب‌نامه

- ایمانی، آوا، غلامرضا کسای، و عباس اسلامی راسخ (۱۳۹۴)، «زن در ضرب‌المثل‌های فارسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی»، دوفصل‌نامه پژوهش‌نامه زنان، س ۶، ش ۳.
- باستانی، سوسن، زهره امیدی‌پور، و علی رجبلو (۱۳۹۲)، «تحلیل خرده‌گفتمان‌های زنان در دوره مشروطیت»، جامعه‌شناسی تاریخی، س ۵، ش ۱.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۹)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: آوای نور.

تحلیل بازنمایی زن در گفتمان اعتدال: تحلیل گفتمانی سخنرانی‌های ... ۴۷

بهرام‌پرور، شعبان‌علی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، در: مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان، به‌اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگستان.

تقی کریمی قهی، محمد (۱۳۹۱)، «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۴، ش ۱۳.

حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۳)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصل‌نامه علوم سیاسی، س ۷، ش ۲۸.

ربانی خوراسگانی، علی و محمد میرزایی (۱۳۹۴)، «تحلیل تقابلی گفتمانی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»، فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۶۰.

رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، «مقایسه فعالیت فرهنگی زنان و مردان در ایران»، نامه پژوهش فرهنگی، س ۷، دوره جدید، ش ۳.

روحانی، حسن (۱۳۹۱)، دیدار ریاست‌جمهوری با جمعی از زنان فعال سیاسی و مذهبی، وبسایت حسن روحانی: <[http://www.rouhani.ir/event.php?event\\_id=16](http://www.rouhani.ir/event.php?event_id=16)>

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، سخنرانی در جشن میلاد حضرت فاطمه، وبسایت حسن روحانی: <[http://www.rouhani.ir/event.php?event\\_id=40](http://www.rouhani.ir/event.php?event_id=40)>

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، حجاب را عین عفاف ندانیم، پایگاه خبری تحلیلی مستقل ایران بهار: <<http://www.baharnews.ir/news/1321>>

روحانی، حسن (۱۳۹۳)، سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم زنجان، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: <<http://www.president.ir/fa/82047>>

روحانی، حسن (۱۳۹۳)، سخنرانی در همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: <<http://www.president.ir/fa/76766>>

روحانی، حسن (۱۳۹۳)، سخنرانی در بیست‌وپنجمین جشنواره ملی امتنان از کارگران، وبسایت حسن روحانی: <[http://www.rouhani.ir/event.php?event\\_id=419](http://www.rouhani.ir/event.php?event_id=419)>

روحانی، حسن (۱۳۹۴)، سخنرانی در جمع مردم شهرستان‌های غرب استان تهران و در شهرستان اسلام‌شهر، خبرگزاری پانا: <<http://www.pana.ir/Pages/Printable-News.aspx.381469>>

روحانی، حسن (۱۳۹۴)، سخنرانی در همایش زنان، اعتدال، و توسعه، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: <<http://www.president.ir/fa/76766>>

زاهد زاهدانی، سیدسعید و عبدالله دشتی (۱۳۸۵)، «گرایش دانشجویان به حجاب: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ویژه‌نامه تغییرات و توسعه اجتماعی در جنوب، دوره ۱، ش ۱.

زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۲)، «بررسی وضعیت زنان و امنیت شهری و عوامل تأثیرگذار بر کاهش امنیت زنان، ساختار مردانه امنیت شهری»، فرهنگ و پژوهش، ش ۱۲۷.

سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، قدرت، گفتمان، زبان، تهران: نشر نی.

- شادی‌طلب، شادی (۱۳۸۱)، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: قطره.
- صادقی فسایی، سهیلا و سمیرا کلهر (۱۳۸۶)، «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه»، پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۲.
- صادقی فسایی، سهیلا، عاطفه خادمی، و طیبه نجفی (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، س ۴، ش ۷.
- صفری شالی، رضا (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۲، ش ۲.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «زنان و نهادهای مدنی، مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، ش ۲.
- فرقانی، محمدمهدی و سیدعیسی عبدی (۱۳۹۵)، «بازنمایی زن در جوک‌های جنسیتی؛ تحلیل گفتمان انتقادی جوک‌های جنسیتی در مورد زنان در شبکه‌های موبایلی»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، س ۷، ش ۳۲۵۲.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- گمشاد، مریم (۱۳۹۴)، «شکل‌گیری گفتمان اعتدال، اصلاحات، عقلانیت در عرصه سیاسی ایران»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸)، نظریه و روش در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاج‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مک دانل، دایان (۱۳۸۰)، نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۹)، نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: همشهری.
- ناهد، عبدالحسین (۱۳۳۸)، زنان ایران در جنبش مشروطه، آلمان: نوید.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

Afshari, Zahra and Iman Sheibani (2006), "Women's Participation in the Industrial Sector of Iran: Evaluating the Scopes for Creating Jobs for Women", *Women's Studies*, vol. 3, no. 3.

Laclau, E. (1994), *The Making of Political Identities*, London: Versoa Radical Democratic Politics.

Macmillan, Katie (2006), "Discourse Analysis-APrimer":

<http://www.ischool.utexas.edu/~palmquis/courses/discourse.html>.

Wodak Ruth and Michael Meyer (2001), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage.